

به نام
پروردگار
یکتا

زندگی نامه من

الکس فرگوسن



ترجمه‌ی
ماشاله صفری
طاها صفری



زندگی نامه من

سِر الکس فرگوسن

ماشاله صفری، طاها صفری



در شبکه های مجازی
هم ما را دنبال کنید

 goalgasht

 goalgasht

 goalgasht

goalgasht.ir

صفحه آرایی: گرافیک گلگشت

طرح جلد: گرافیک گلگشت

نوبت چاپ: چهارم ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۸-۷۳-۱

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: فرگوسن، الکس، ۱۹۴۱ - م. Ferguson, Alex

عنوان و نام پدیدآور: الکس فرگوسن، زندگی نامه من [کتاب] / نویسنده الکس فرگوسن؛ مترجم ماشاله صفری، طه صفری.

مشخصات نشر: تهران: گلگشت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.، [۹] تصویر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۸-۷۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: عنوان اصلی: Alex Ferguson : my autobiography, ۲۰۱۴.

موضوع: فرگوسن، الکس، ۱۹۴۱ - م.

موضوع: مریبان فوتبال -- انگلستان

موضوع: فوتبال -- انگلستان

شناسه افزوده: صفری، ماشاله، ۱۳۶۲ - مترجم

شناسه افزوده: صفری، طاها، ۱۳۶۵ - مترجم

رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۳ / ف ۱۳۹۳ / ۷۷۹۴۲ / ۷

رده بندی دیویی: ۹۲-۳۳۴-۷۹۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۵۷۹۷۶

تلفن: {+۹۸۲۱} ۳۳۹۸۲۸۸۸

فکس: {+۹۸۲۱} ۴۳۸۵۲۹۳۳

{+۹۸} ۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰

www.goalgasht.ir



My Autobiography | فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: تفکرات
۲۷	فصل دوم: ریشه‌های گلاسکوویی
۴۳	فصل سوم: بازگشت از بازنشستگی
۵۳	فصل چهارم: شروعی تازه
۶۳	فصل پنجم: دیوید بکام
۷۱	فصل ششم: ریو
۷۹	فصل هفتم: دوران رکود
۸۹	فصل هشتم: کریستیانو رونالدو
۹۹	فصل نهم: روی کین
۱۱۱	فصل دهم: علایق غیر فوتبالی
۱۲۳	فصل یازدهم: روود فن نیستلروی
۱۳۱	فصل دوازدهم: مورینیو: رقیب خاص
۱۴۱	فصل سیزدهم: رقابت با ونگر
۱۵۱	فصل چهاردهم: کلاس ۹۲
۱۵۹	فصل پانزدهم: لیورپول - سنت دیرینه
۱۷۱	فصل شانزدهم: جهانی از استعداد
۱۸۵	فصل هفدهم: شبی در موسکو
۱۹۱	فصل هجدهم: روانشناسی
۱۹۷	فصل نوزدهم: بارسلونازیبایی در کوچکی

- ۲۰۷ ————— فصل بیستم: رسانه‌ها
- ۲۱۵ ————— فصل بیست و یکم: نوزدهمین قهرمانی یونایتد
- ۲۲۳ ————— فصل بیست و دوم: منچستر سیتی قهرمان
- ۲۳۵ ————— فصل بیست و سوم: خانواده
- ۲۳۹ ————— فصل بیست و چهارم: وین رونی
- ۲۴۷ ————— فصل بیست و پنجم: آخرین مبارزه

درباره‌ی نویسندگان

پل هیوارد

پل هیوارد مدیر بخش ورزشی روزنامه دیلی تلگراف است، دو بار به عنوان بهترین روزنامه نگار ورزشی سال بریتانیا انتخاب شده. او در بیشتر رویدادهای ورزشی جهان حضور داشته است. هیوارد در سال ۲۰۰۴ در نگارش کتاب زندگی نامه مایکل اوون با او همکاری کرد و یک سال بعد به همراه سر بابی رایسون کتاب زندگی نامه او به نام «بدرود اما نه وداع» را منتشر کرد.

سر الکس فرگوسن

سر الکس فرگوسن در سال ۱۹۴۱ در گوان^۱ اسکاتلند به دنیا آمد. یک مهاجم مرکزی گلزن بود که بعدها به رنجرز^۲ باشگاهی که از کودکی طرفدارش بود پیوست، آن هم با رقم ۶۵ هزار پوند که رکوردی در فوتبال اسکاتلند بود.

از سال ۱۹۷۴ وارد دنیای مربی‌گری شد. قبل از اینکه آبردين^۳ را قهرمان جام برندگان فصل ۸۳-۱۹۸۲ کند در ایست استرلینگشایر^۴ و سنت میرن^۵ مربی‌گری کرده بود. در ۱۹۸۶ به منچستر یونایتد^۶ رفت و ۳۸ جام برای باشگاه انگلیسی به دست آورد، یک جام باشگاه‌های جهان، ۲ قهرمانی اروپا، ۱۳ قهرمانی در لیگ برتر و ۵ اف ای کاپ^۷ مهمترین آن‌ها هستند. ۴۹ جامی که در دوران مربی‌گری‌اش به دست آورد او را تبدیل به پرافتخارترین مربی تاریخ بریتانیا کرده است.

در ۱۹۹۹ ملقب به عنوان شوالیه (سر) شد و در ۲۰۱۳ زمانی اعلام بازنشستگی کرد که منچستر یونایتد را بار دیگر قهرمان لیگ برتر کرده بود. او در ۷۱ سالگی همچنان به عنوان مدیر مشغول خدمت در منچستر یونایتد است.

۱-Govan

۲-Rangers

۳-Aberdeen

۴-East Stirlingshire

۵-St Mirren

۶-Manchester United

۷-FA Cup: جام اتحادیه فوتبال انگلیس

سپاسگزاری‌ها

باید از کسانی که مرا در نگارش و انتشار این کتاب یاری دادند تشکر کنم. اول از همه رودی بلومفیلد و دستیارش کیت مایلز که ویراستار کتاب من بودند. تجربیات رودی در کنار حمایت‌هایش به مانند هدیه‌ای الهی برای من بود که در کنار تلاش‌های کیت تیم کاملی را تشکیل می‌دادند.

پل هیوارد یک حرفه‌ای تمام عیار که کار کردن در کنار او بسیار ساده است. او همواره مرا در مسیر نگه می‌داشت، فکر می‌کنم تلاش‌های او در جمع‌آوری تفکراتم نتیجه‌ای عالی در برداشت. شون پولاک عکاس هم در یک بازه زمانی ۴ ساله کاری فوق‌العاده در جمع‌آوری و آماده کردن عکس‌ها انجام داد. با پشتکار او بود که تمام مراحل کار به خوبی پیش رفت. لز دالگارتو که در طول دوران نگارش کتاب مشاور خوبی برای من بود. او مردی قابل اعتماد و دوستی فوق‌العاده است.

در نهایت باید بگویم افراد زیادی کمک کردند تا به این نقطه برسیم. از تلاش‌های آن‌ها سپاسگزارم و افتخار می‌کنم که با چنین تیم با استعدادی همکاری کرده‌ام.



مقدمه

از چندین سال پیش در فکر این کتاب بودم، و همواره یادداشت‌هایی در اوقات فراغتم می‌نوشتم. همیشه می‌خواستم داستانی از زندگی‌ام آماده کنم تا هم فوتبالی‌ها و هم غیر فوتبالی‌ها از خواندن آن لذت ببرند. هر چند خبرِ بازنشستگی‌ام غافلگیر کننده بود ولی این زندگی‌نامه سال‌ها بود که در ذهنم وجود داشت. قبل تر کتاب «مربی‌گری زندگی‌ام» را به چاپ رسانده بودم که اشاره به سال‌های جوانی‌ام در گلاسکو و دوستان فوق‌العاده‌ام در آبردین داشت. این کتاب درباره سال‌های طلایی در منچستر یونایتد است. این دو کتاب مکمل یکدیگرند.

خودم یک خوره‌ی کتاب هستم و برای همین می‌خواستم کتابی بنویسم که بازگو کننده معماهای دوران کاری‌ام باشد.

زندگی در فوتبال حرفه‌ای همواره پر از شکست‌ها، ناامیدی‌ها و سقوط‌هاست. در سال‌های ابتدایی در آبردین و منچستر اولین تصمیم‌بوجود آوردن حس اعتماد و وفاداری در بازیکنان بود و این من بودم که باید این حس را به آن‌ها منتقل می‌کردم. این یک نقطه شروع برای انجام هر گونه کار مدیریتی است. قدرت مشاهده کمی زیادی به من کرده است. به خوبی وقایع را مشاهده می‌کردم تا در زمان

مناسب تصمیم لازم را بگیریم. عده‌ای وقتی وارد اتاقی می‌شوند به هیچ چیز توجه ندارند اما من می‌گویم باید از چشمان‌مان استفاده کنیم و همه چیز را زیر نظر داشته باشیم. از این مهارت در ارزیابی بازیکنان استفاده و عادات تمرینی و حالت‌های روحی و الگوهای رفتاری آن‌ها را کشف می‌کردم.

باید بگویم دلم برای جو رختکن و تمام رقبایم در دوران مربی‌گری تنگ خواهد شد: مخصوصاً قدیمی‌ها که وقتی در سال ۱۹۸۶ به منچستر آمدم شخصیت بزرگ خود را نشان دادند. ران اتکینسون بعد از ترک باشگاه هیچ مشکلی برای من ایجاد نکرد و همیشه عملکرد ما را تحسین می‌کرد. جیمی اسمیت شخصیت فوق‌العاده‌ای دارد و یک دوست واقعی است، بسیار خوش صحبت است و می‌توانید ساعت‌ها با او گپ بزنید و البته وقتی به خانه برمی‌گردید تمام لباس‌تان با خاکستر سیگار پوشیده شده است.

جان سیلت بزرگ مربی کاونتری سیتی، او یک همراه واقعی برای من بود، و البته هرگز جان لیال را فراموش نخواهم کرد که در سال‌های اولیه‌ی من در منچستر یونایتد راهنمایم بود و همیشه برایم وقت می‌گذاشت و تجربیاتش را در اختیارم قرار می‌داد. اولین برخورد من با بابی رابسون مربوط به سال ۱۹۸۱ است، زمانی که با آبردین توانستیم ایپسویچ را از جام یوفا حذف کنیم. بابی به رختکن ما آمد و با تمام بازیکنان تیم دست داد. یک نجیب زاده‌ی واقعی، دوستی ارزشمند که هرگز او را فراموش نخواهم کرد، واقعا جای خالیش در زندگی احساس می‌شود.

برخی از قدیمی‌ها توانستند در دوران جدید به کار خود ادامه دهند. اخلاق کاری آن‌ها را ستایش می‌کنم. باید از جان روج و لنی لاورنس بگویم که همیشه پرتلاش و زحمت کش بودند. و البته جو رویل بزرگ که همیشه سرشار از جسارت و نوگرایی بود. اولدهام، او همیشه روزهای سختی را برای ما رقم می‌زد. بله! من دلتنگ تمام این‌ها خواهم بود، دلتنگ هری ردنپ و تونی پولیس دو شخصیت بزرگ دیگر از نسل من که رقبای بی‌نظیری بودند.

خوشبختم که همواره کادر فنی و مدیریتی فوق‌العاده‌ای در یونایتد داشتم. با بعضی از آن‌ها بیش از ۲۰ سال کار کرده‌ام. لین لافین کمک مربی همیشگی‌ام که همراه من بازنشسته شد و در سمت مدیریتی جدید هم او را کنار خود خواهم داشت. دوستانی چون لس کرشاو، دیو بوشل، تونی ولن و پل مک‌گینس. باید از کت فیپس یاد کنم که از کارمندان قدیمی باشگاه است و بعد از هر بازی دراولدترافورد، فضایی راحت برای استراحت من مهیا می‌کرد. او بیش از ۴۰ سال است که برای یونایتد کار می‌کند. جیم رایان که دیگر بازنشسته شده است. برادرم مارتین که ۱۷ سال مامور استعدادیابی برای تیم من بود که شغل فوق‌العاده سختی است.

نورمن دیویس: چه مردی! دوستی وفادار که چند سال پیش او را از دست دادیم. بعد از او آلبرت مورگان به عنوان مسئول رختکن به تیم ما اضافه شد که بسیار وفادار است و شخصیتی بزرگ دارد. و پزشک تیم، استیو مک نالی، فیزیوتراپ اصلی ما راب سویر و تیم فوق العاده اش. تونی استراویک و کارشناسان پزشکی-ورزشی فوق العاده ای که کنار او کار می کردند. دخترانی که در بخش خشکشویی باشگاه فعالیت می کردند. تمام کادری که در آشپزخانه باشگاه انجام وظیفه می کردند. جان آکساندر و آنه ویل و تمام خانم‌های پرتلاشی که در بخش اداری باشگاه زحمت کشیدند. جیم لاولور و تیم استعدادیاب او. اریک استیل، مربی دروازه‌بان‌ها، سیمون ولز و استیو براون که مسئول آنالیز ویدیویی تیم بودند. مسئولان زمین اولدترافورد به سرپرستی جو پمبرتون و تونی سینکلیر. و تمام مردان زحمتکشی که در بخش پشتیبانی باشگاه فعال بودند از استیووارت و گراهام تا تونی. شاید یک یا دو اسم را جا انداخته باشم ولی مطمئنم همه آن‌ها می‌دانند تا چه حد برایشان احترام قائلم.

تمام مربیان و دستیارانی که در تمام این سال‌ها یار و یاور من بودند. آرچی ناکس، یک دوست واقعی در سال‌های ابتدایی من در اولدترافورد. برایان کید، نابی استایلز، اریک هریسون که مربی فوق العاده در تیم جوانان بود. استیومک لارن که مربی پرانرژی و خلاق بود. کارلوس کیروش و رنه مولنستین دو مربی بی نظیر و دستیار اولم، میک فلان یک مربی زیرک و تیز بین، یک فوتبالی واقعی. دوام حضورم در یونایتد را مدیون شخصیت‌هایی چون بابی چارلتون و مارتین ادواردز هستم. آن‌ها هدیه‌ای گرانبها در اختیارم قرار دادند و آن زمانی بود که در اختیارم گذاشتند تا باشگاهی بزرگ بسازیم نه فقط یک تیم فوتبال! بعدها دیوید گیل هم حمایت‌های آن‌ها را در دهه گذشته ادامه داد تا موفقیت‌های ما ادامه پیدا کند.

در این کتاب به مسائل مختلف پرداخته‌ام و امیدوارم از همراهی با من در این کتاب لذت ببرید.



پیش گفتار

نزدیک به ۳ دهه پیش از این تونل عبور کردم و وارد اولدترافورد شدم؛ در اولین بازی دوران مربی‌گری‌ام. نگران و ترسیده بودم، در حالی که سمت دایره‌ی وسط زمین می‌رفتم و به طرف استرت فورد اند^۱ دست تکان می‌دادم به عنوان مربی جدید تیم معرفی شدم. حالا باز هم در همان زمین گام بر می‌دارم؛ با اعتماد به نفس کامل و برای خداحافظی!

کنترلی که من در دوران کاری‌ام در منچستریوناپتد به دست گرفتم شاید تنها برای اندک مربیانی به خوش شانسی من قابل درک باشد. اگرچه زمانی که در سال ۱۹۸۶ از آبردین به منچستر آمدم به توانایی‌هایم ایمان داشتیم، ولی خب کسی فکرش را هم نمی‌کرد که داستانی به این زیبایی رقم بخورد. بعد از خداحافظی در می ۲۰۱۳، لحظات مهم دوران مربی‌گری‌ام را در ذهن مرور کردم: پیروزی در دور سوم اف ای کاپ مقابل ناتینگهام فارست^۲ در ژانویه ۱۹۹۰، بازی که گل مارک رایینز^۳ راه‌مان را به سمت فینال هموار کرد، در حالی که یک ماه بود هیچ بردی نداشتیم، شغلم در خطر بود و اعتماد به

۱-Stretford End: در انگلستان بخش‌های مختلف سکوهایی ورزشگاه را نام گذاری می‌کنند. استرت فورد اند نام سکوی غربی ورزشگاه است که محل استقرار طرفداران دو آتشه‌ی یوناپتد است

۲-Nottingham Forest

۳-Mark Robins: مهاجم انگلیسی که از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۵ در لیگ برتر بازی کرد